3rd International Conference on
Management and Humanistic Science Research
5 July 2018 - Tehran University
سومین همایش بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

تاثیر هنر فمنیسم بر اثر ضیافت شام جودی شیکاگو

لادن رستمی
کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه غیر انتفاعی ارم شیراز
ladan_80@yahoo.com

Archive of SID

چکیده

مبحث مربوط به هنر فمنیسم ، که پدیدارترین نهضت هنری موضوع گرا در جریان هنر معاصر است می باشد آن نوع هنری که با کارخانه اندی وارهول پا به عرصه وجود گذاشت و هنری غیر شخصی، ماشینی، ماشینی و حاصل تولید انبوه بود که گویای ایدئولوژی بخش عظیمی از پاپ آرت بود .اصل تصنع نقش محوری در فهم فمنیسم، به عنوان گفتاری که شاید بتوان هدف اولیه ی نقدهایش را فرهنگ مرد سالار تاکنون حاکم، معرفی کرد دارد در بین بنیانگذاران فلسفه ی تجربه گرا فرانسیس بیکن در یکی از استعاراتی که در تبیین رویکرد تجربه گرایانه اش طرح می کنند، طبیعت یا همچون زنی سرکش معرفی می کند که باید به مدد قدرت و شناخت، آن را به بند کشید و بر آن چیره شد .تمثیل طبیعت همچون زن امری شایع است در زمان ها و حوزه های فرهنگی مختلف به نمونه های متعددی از آن برمی خوریم مانند (دمتر) الهه کشاورزی (گایا) مادر زمین، (که جنسیتی زنانه دارد و همانند اینکه زمین، خاک) که باردار است که دارای خصلتی زنانه هستند .در واقع اولین بیانیه های این جنبش به سال های نخستین دهه ۱۹۷۰ باز می گردند

واژگان کلیدی: فمنیسم، جودی شیکاگو، زن

www.SID.ir

مقدمه

در سال ۱۹۷۰ لیندافاکلین، تاریخ نگار هنر، در مقاله ای این سوال را طرح کرد که « چرا هیچ زن هنرمند بزرگی نداشته ایم؟» او اشاره کرد ما به منتقد فمنیستی که نظم و قوانین تاریخ هنر را مورد بررسی قرار دهد نیاز داریم، کسی که با رخنه در محدودیت های فرهنگی و ایدئولوژیکی، نقصان ها و داوریهایی را آشکار نماید که نه تنها مربوط به مسائل زنان هنرمند باشد بلکه سوالاتی اساسی درباره خودنظم و قانون را نیز موجب شوند .زبان نقد و تاریخ هنر هیچگاه زنان را نپذیرفته بود که بخواهد ردشان کند .

بر این اساس بود که فمنیستها بدون اینکه به تضاد فرهنگی بین زن یا مرد متوسل شوند وسیله ای شدند برای برملا کردن و بحث کردن در زمینه همان موضوعات و نظریه فمنیستی با انتقاد از مردسالاری، بر این موضوع تاکید کرد که آن تضادهایی که برای توصیف تفاوت های موجود در کیفیات ذاتی زن و مرد به کار می رود (خرد/ شهود، منطق /عاطفه عمومی /فردی، زبان /حس (تنها درون فرهنگ معنا پیدا می کند.) (آرچر ۱۳۸۷،۱۲۴)

دهه هفتاد دهه ای است که اغلب متوسط و بی تحرک لقب می گیرد .در دهه ی هفتاد فیمینیست یک دوران بسیار پرتنش مبارزه و اعتراض را گذراند که نتایج آن عموما در چند چهره ی بسیار برجسته دهه ی هشتاد به ثمر نشست مسئله ی هویت به مسئله ی مبرم فرهنگی این مقطع مبدل شد این خودآگاهی جنسی نوظهور به اشکال گوناگونی بروز کرد .هنرمندان و منتقدان فمینیست اعلام کردند که تاریخ هنر و نظام هنر تبعیض جنسی را نهادی کرده، همان گونه که جامعه ی پدر سالار به طور کلی چنین کرده است .از این رو آنان بازنویسی تاریخ هنر را به جهت دست یافتن به تاریخ با تاریخ های نو در دستور کار خود قرار دادند این رویکرد یا راهبردی که مورد توجه دیگر اقلیت های جنسی و اقلیت های نژادی نیز قرار گرفت و تاریخ رسمی پیشین پیش نهادند و میشل فوکو، به عنوان مورخی که بنیان گذار این رویکرد نو به تاریخ شناخته می شود بود. (صحاف زاده، ۱۳۸۹)

هنر فمینیست

در ۱۹۷۰نشریه آرت فورم در پی مباحثی با عنوان هنرمند و سیاست، پرسش هایی را پیرامون بحران سیاسی روز افزودن در امریکا مطرح نمود. (آرچر ۱۳۸۷،۱۱۷)و با ارائه ی امکان عرضه و مرئی شدن به هنرمندان زن، و هرمندانی با تبار (آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین) ، فضاهای جایگزین یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده ی فیمینیسم و پلورالیسم به وجود آورد. (صحاف زاده، ۱۳۸۹،۱۸۲)نظریه هنری فیمینیست یک مجموعه ی فکری منسجم است که در خلأ تئوریک جهان هنر معاصر، پس از افول تفکر مارکسیسم، تاثیر شگرفی بر تکامل نقد هنری به مفهوم کلی اش بر جای نهاد .هنر جدید فیمینیست با آن نوع هنر زن گرا که تا آن زمان در عرصه هنر معاصر جهان رایج بود، عمیقاً متفاوت است .این هنر به جای توجه صرف به ضمیر

Archive of SID

www.SID.ir

هنرمند، مجموعه عوامل تاثیرگذار بر اثر هنری تاکید می ورزد .لوسی لیپارد، منتقد قابلی که بعدها تبدیل به چهره ای کلیدی در گسترش نقد فمینسیتی شد در مقدمه مجموعه مقالات خود درباره ی هنر زنان به نام از مرکز نارضایتی خود را از این مجمع ابراز کرد .در حالی که مدتی بعد اهمیت آن را پذیرفت .او همچنین ریشه اندیشه های فمینیستی اش را در مخالفت هایش می دید : مخالفت با برتری هنرمند در مباحث گرینبرگ، با تحمیل خواسته های یک طبقه اجتماعی خاص، مبارزه علیه شاهکار ساختن، علیه مرض قهرمان سازی علیه سرباز زدن از قبول یک اثر . (آرچر، ۱۳۸۷، ۱۲۳-۱۲۴)

جودی شیکاگو

در ۱۹۷۰، جودی گروتیس، در یک صفحه کامل آگهی در آرت فورم در هیات یک بوکسور در رینگ ظاهر شد و اظهار کرد از آنجایی که سیطره کنونی مردان بر جهان هنر، مانع پذیرش کار او و زنان هنرمند دیگر شده است، از نامی که پدرش به او داده صرف نظر خواهد کرد و از این پس به نام شهر زادگاهش، جودی شیکاگو نامیده می شود وی به همراه مریم شاپیر و اولین برنامه هنری فمینیستی را در انستیتو هنر کالیفرنیا ترتیب داد .شیکاگو، به عنوان یک نقاش کار خود را آغاز کرده بود تا اواخر دهه۶۰ درگیر کارهای محیطی و نور، به شیوه ای همسو با آثار معاصرینش رابرت ایروین جیمز تورل و لری بل شد .حرکت بعدی او، رویکرد جدیدی در خود داشت :دیگر فضاهای انتزاعی و جهانی، مدنظرش نبود بلکه آن را چیزی سیاسی و اجتماعی قلمداد می کرد . (آرچر، ۱۲۵،۱۳۸۷)

چنان که به خوبی در اثر شیکاگو شاهد هستیم، احیای عناصر طرد یا نادیده گرفته شده در تاریخ فقط محصور به شخصیت ها و چهره های برجسته زن نبود .به نظر برخی از فمینیستها نادیده گرفته شدن هنرهای دستی به اصطلاح زنانه ای همچون سوزن دوزی و قلاب بافی و دیگر اشکال پارچه بافی و تئزین روی پارچه محصول حاکمیت گفتار مردانه بر جهان هنر تلقی می شد و از این رو توجه دوباره و احیای ارزشهای هنری این گونه آثار نیز مورد تاکید قرار گرفت. (صحاف زاده، ۱۳۸۹، ۲۴۳)

ضیافت شام

اولین اثر هنری فمینیستی که از نظر اذهان جهانیان را به خود جلب کرد چیدمان جودی شیکاگو(متولد ۱۹۳۹) به نام ضیافت شام است. در زمانی این اثر خلق شد که هنر فمینیست از پیشینه و تاریخ توجهی برخوردار شده بود. (اسمیت ۱۳۸۰،۲۸۳)

Archive of SID
www.SID.ir

۱-تصویری از میز شام جودی شیکاگو

فعالیتهای شیکاگو علاوه بر جنبه های مثبت بسیاری که داشت به سرعت سوالاتی را نیز پیش کشید .اثر چیدمان ضیافت شام اگرچه توسط جودی شیکاگو و تحت هدایت فکری او آفریده شد، اما در تحلیل نهایی محصول دست های بسیاری است که به طور سنتی به عنوان مهارت های خاص زنان، همانند دوخت و بافت و نقاشی چینی، شناخته می شوند .این اثر مرکب از یک ضیافت شکرگزاری است که در همراهی با اسطوره های زنان پدید آمده است هر یک از این زنان به صورت نمادین و با استفاده از یک ظرف که به گونه خاصی طراحی و بر روی پارچه ای گلدوزی شده قرار گرفته است، که معرفی می شوند .اثر ضیافت شام مشابه بسیاری از کارهای فمینیست ها یک قطعه چیدمان محیطی با عناصر بسیار قدرتمند تئاتری است .البته هنرمندان فمینیست در هنر ویدیو و هنر اجرا نیز بسیار مهارت دارند.

اثرمشهور جودی شیکاگو با عنوان ضیافت شام (۱۹۷۴،۷۹) شامل یک میز شاهی به شکل مثلث که شکلش ترتیب نشین سلسله مراتب را نقض می کرد، ۳۹۰ جایگاه در نظر گرفت که هر کدام بزرگداشت زندگی و دستاورد یک زن بزرگ بود که بر روی کدام بشقابهایی بود که هر یک از بشقابها به افتخار یکی از زنان بزرگ تاریخ طراحی شده بود، یا در یادمانی برای نه میلیون زن سوزانده شده در آتش به جرم جادوگری در دوران مسیحی که این اثر را وی بث اد لسن نمود یافته است. (صحاف زاده، ۱۳۸۹،۲۴۳)

Archive of

www.SID.ir

شیکاگو در مورد اثر ضیافت شام می گوید هدفم در ضیافت شام منطبق بود با همه ی تلاش های دیگرم در دهه ی گذشته (هفتاد) می کوشیدم تا احترام به زنان و هنر زنان را ایجاد کنم تا نوع تازه ای از هنر را پدید آورم که بیانگرتجربیات زنان باشد و راهی پیدا کنم که هنر در دسترس مخاطبین گسترده ای قرار گیرد .من مصرانه معتقدم که اگر هنر به طور واضح درباره چیزی مرتبط با زندگی مردم سخن بگوید، خواهد توانست شیوه ی ادراک واقعیت توسط آنان را تغییر دهد، به طریقی مشابه آن چه در قرون وسطی برای آموزش کتاب مقدس به مردم بی سواد رایج بود از آن جا که بیشتر جهان نسبت به تاریخ زنان و سهم آنان در فرهنگ بی سواد هستند شایسته است که تاریخ مان را از طریق هنر نقل کنیم.

کسانی که در این کار از آنها تجلیل شده است، سعی داشته اند تا خود را به گوش همگان برسانند، برای حفظ تاثیر خود در اذهان جنگیده اند و برای انجام خواسته های خود تقلا کرده اند .آنها می خواستند آن حقوقی را بیازمایند که به واسطه تولدشان، استعدادشان، نبوغ و خواستشان به آنها تعلق می گرفت اما از همه آنها منع شدند و تلاش هایشان از جانب تاریخدانان مورد بی توجهی و تمسخر و توهین قرار گرفت .تنها به این دلیل که زن بودند. (صحاف زاده، ۱۳۸۹،۲۴۳)

فعالیت های شیکاگو علاوه بر جنبه های مثبت بسیاری که داشت به سرعت سوالاتی را نیز پیش کشید ضیافت شام یک پروژه عظیم بود و شیکاگو به تنهایی بر روی آن کار نکرده بود بلکه نیازمند همکاری گروهی از افراد بود او عده ی زیادی از زنان هنرمند را در نظر همگان مطرح ساخت.

تحلیلی بر اثر ضیافت شام «جودی شیکاگو»

اولین شام در برابر شام آخر

اگر بخواهیم هنر معاصر را با ذکر مثال شرح دهیم، بی‌تردید اثر«ضیافت شام » ۱ « جودی شیکاگو» ۲ در زمره مثال‌ها قرار خواهد گرفت .مثالی که در بطن دوران کثرت طلب خسته از موضوعات کسالت‌بار مسیح و جنگ، در ۱۹۷۰ یعنی در موج اول فمینیسم آمریکا با هویتی تازه پا به عرصه نهاد .هویتی برگرفته از یک سیستم تصویری کاملاً زنانه و با تلفیق تکنیک‌های کار خانگی و محصولات فرهنگی زنان که تاکنون بیش از یک میلیون بازدید کننده در پانزده نمایشگاه را در شش کشور مختلف به خود جلب کرده است .نتیجه پنج سال تلاش بی‌وقفه هنرمند با همکاری چهارصد زن دیگر است .

Archive of SID

www.SID.ir

ضیافت شام جودی شیکاگو یادمان مقدسی برای زنان اسطوره‌ای، تاریخی و فرهنگی محسوب می‌شود .که با مجسمه‌سازی، سرامیک، نقاشی چینی و سوزن‌دوزی تلفیق شده است .اثر یک میز مثلث متساوی‌الاضلاع با ضلع ۱۴، ۴۰ سانتی‌متری است که ۳۹ جایگاه برای نشستن دارد، به اضافه ۹۹۹ نام زنان فراموش شده تاریخ که بر سطح مرمرین کف حک شده است .هر جایگاه عبارت است از یک بشقاب سرامیکی، با یک موتیف برجسته مرکزی ملهم از اندام زنانه، یک رومیزی با رنگ‌هایی درخشنده، همراه سوزن‌دوزی مختص دوره زمانی هر فرد، کارد، قاشق، چنگال و یک جام شراب .

اثر هنری چنان‌چه نمادپردازانه باشد، مخاطب را وا می‌دارد تا در ذهن خود به دنبال ارجاعات نشانه‌ها بگردد .اکثر هنرمندان فمینیست نمادها را تا بدان‌جا بکار می‌برند که خاطره‌ای دردناک را بازگو کنند و به دلیل چند وجهی بودن نشانه‌ها اثر را به کل تاریخ درد انسانی گسترش می‌دهند .از آنجایی که ضیافت شام در برگیرنده عناصر اسطوره‌ای، تاریخی و اجتماعی است، این تحلیل جستاریست در راستای کشف روابط درون ساختاری هر عنصر .هر کدام از نمادها، از فرم کلی میز و غذای چیده شده بر روی آن گرفته تا مدعوین اعم از الهگان با زنان تاریخی، نشانه‌ای است صوری برای ارجاع به جهان معنای دیگری که پشت اثر پنهان است .در این میان شیکاگو برای تسری دادن اثرش به موقعیت زن در جامعه بشری، تقابل ضیافت شام با شام آخر داوینچی را طرح کرده است؛ چرا که هنر، صادقانه‌ترین شکل بیان تاریخ است .شیکاگو در این اثر با انتخاب فرم متفاوتی برای میز و استفاده از تکنیک‌های منسوخ شده‌ی هنر زنانه در قالب خیاطی و سوزن‌دوزی و نیز با ارائه شکل جدیدی از اندام زن به مثابه موجودی تازه شناخته شده، تصویر کردن زن به عنوان شیء و منظره را به صورت فاحش و گزنده‌ای به سخره گرفته است .منظره‌ای که تا به امروز بر اساس رویاهای مردانه به ارزش انسانی‌اش دست یافته و جمال مطالعه شده‌ای که « دیگران» مطالبه‌اش کرده‌اند .

شیکاگو زن را نه براساس خواسته‌های زیبایی‌شناسانه « دیگران» بلکه براساس طبیعت پیکره‌اش در حالی که هاله‌ای از نمادهای رازآمیز احاطه‌اش کرده، تصویر کرده است .رازهایی که تنها می‌تواند در وجود یک زن رخنه کند، اسراری درباره‌ی بردگی‌ها، تحقیرها و سوءاستفاده‌ها که در قالب قصه‌ی مادربزرگ‌ها تجسد می‌یابد و شیکاگو آن داستان را درون بشقاب نهاده است. بنابراین در حرکت به دور میز، ۳۹ داستان تصویری که اسم شخصیت اصلی بر آن حک شده است از نظرمان خواهد گذشت.

فرم سه گوش میز اقتباسی از تصویر « یونی ۳» مادر ـ الهه‌ای هندی و نماد زهدان این الهه و منبع نهایی همه آفرینش است؛ در حالی که حوضچه کم‌عمقی را شامل می‌شود .این فرم برخلاف نظریه فروید بیشتر از این که حالتی پذیرنده داشته باشد، هجومی

Archive of SID
www.SID.ir

است به تاریخ هنر .بالاخص ـ همان‌گونه که از اسم اثر برمی‌آید ـ تابلو شام آخر لبه تیز ملامت بارش را به سمت جامعه پدرسالاری نشانه رفته که در آن همه افراد سیاسی، مذهبی، تاریخی و در کل، قشر رویین جامعه را مردانی تشکیل می‌دهند که به دور میزی که در راس آن قدرت مطلقی بر مسند نشسته، جمع شده‌اند و براساس دوری و نزدیکی‌شان به آن مرکز قدرت، ارزش می‌یابند .در این اثر، شیکاگو اضلاع مثلث را به تساوی تقسیم کرده به گونه‌ای که همه افراد در آن برابر و هم‌سودند .همچنین برخلاف شام آخر داوینچی، همه‌ی سی و نه نفر به صورت ۱۳ نفر در هر ضلع مثلث بدون تمرکز بر یک محور قیم ـ مآب چیده شده‌اند .در میز همه چیز بر مدار یک ساختار وحدت‌بخش می‌گردد، تمایزات برچیده می‌شود، سازگاری محض رخ می‌نمایاند .می‌توان اندیشید که حتی اگر شکل میز، دایره انتخاب می‌شد ، یعنی همان فرمی که تا امروز نماد زن بوده، با قرار دادن یک جایگاه خاص، می‌شد نقطه عطفی برجسته‌تر از دیگر افراد پدید آورد؛ در حالی که قدرت مطلق در زاویه ی ۶۰ درجه‌ای مثلث متساوی‌الاضلاع با شکست مواه می‌شود .آن تهدید تهاجمی ساختار بیرونی، در درون مثلث به شکل مبارزه‌ای پویا برای از بین بردن تمایزات ادامه می‌یابد تا در این وحدت، اتفاق و هم زیستی، فارغ از جنگ و آشوب به آرامش خط مستقیم (۱۸۰ درجه) دست یابد.بنابراین در اثر شیکاگو دیگر نشانه‌ای از ترس تسلیم شدن وجود ندارد؛ چرا که همه چیز در صلح و سلامت بسر می‌برد، موقعیت خاصی به دست نیامده تا بخواهد آن را تسلیم کند و در واقع زن پیش از آن که قدرت و جایگاهی خاص داشته باشد همانند خدایانی که خود فرزندان خود را می‌بلعند، قربانی زن بودن خود شده است .در روی میز خوراک‌ها چیده شده‌اند .بقابی با قدحی شراب .در بشقاب غذایی نهاده شده :جسم جنسی زن .تصویر نان و شراب بی‌درنگ به ذهن متبادر می‌شود؛ شراب هست اما نان کجاست؟ از این نان بخورید که گوشت من است؛ مسیح در شام آخر چنین می‌گوید کودک در زهدان مادر است و از جسم مادر تغذیه می‌کند تا رشد کند و مادر در کودک جریان می‌یابد .زن در کودک جریان دارد و به وقت زایمان گویی دو پاره می‌شود، دو انسان، مثل نانی که تقسیم می شود، زهدان منبع زایش است و برای بارآوری نیاز به درگاه دارد :محلی برای وارد شدن به محیط زهدان، یونی، میزبان زنانگی است و زن‌ها اندام‌هایشان را به الهه تقدیم کرده‌اند .آن‌ها به دروازه‌های الهه تبدیل شده‌اند .غذا نهاده شده تا تناول شود و پس از بلعیده شدن، زنانگی درونی می‌شود :قربانی مقدس .همان‌گونه که در قربانی عشا ربانی، با خوردن جسم و خون نجات دهنده فرد آن را به درون بدن خود می‌برد و هنگامی که به درون خود باز می‌گردد او در آن‌جا حضور دارد .

با این حال در ضیافت شام یک جسم منفرد به عنوان نجات دهنده وجود ندارد بلکه هر فرد در مقام منجی خود، زنانگی رابه درون خود بازمی‌گرداند .در این جا موقعیتش حالتی دوپهلو می‌یابد یعنی هم قربانی و هم منجی است و او از خودش تغذیه می‌کند، شخصیتی خدای‌گونه می‌یابد و با لبریز شدن از زنانگی‌اش به ازل باز می‌گردد .در حالی که اثر داوینچی، پایان را به تصویر می‌کشد

Archive of SID
www.SID.ir

و تابلو لحظه‌ی دردناک قبل از فاجعه را نشان می‌دهد :قربانی برگزیده شده و مسیح مصلوب می‌شود .مسیح روبه‌رویمان نشسته و ما تمام داستان پس از شام را می‌دانیم .اما اثر شیکاگو روایتی بدون گذشته و آینده است :آغاز و پایان ماجرا در اسارت ذهن در نمی‌آید .

شیکاگو در ضیافت شام با گرامی‌داشت ویژگی‌های به ظاهر بت سرشت زن که تاکنون شرمی عظیم بر پیکرش نهاده بود چرا که او انسانی ناقص می‌نمود و نیز با ارج نهادن بر هنرش، هنری که مایه‌ی مباهاتش نبود بلکه در قالب وظیفه‌ای پیش پا افتاده برای کسب معیارهای انسانی به آن می‌پرداخت، هویتی نوظهور به او می‌بخشید و به شکرانه آن، جشنی مرثیه‌وار برای شب عمیق زندگی زن برپا می‌کند؛ جشنی که قربانیان مقدس در آن فدیه می‌شوند تا زندگی دوباره بیابند؛ همچنان که مسیح نیز پس از صحنه شام آخر با حواریون به پایکوبی می پردازد . مسیح، در واقعیت تاریخ و به دست جامعه مردسالار جنگ‌طلب مصلوب می شود، انسان به این امر واقف می‌شود و به تأمل در جایگاهش می‌پردازد اما زن که در درون خویش قربانی می‌شود تا نسلی دیگر در بطنش متولد شود، نه‌تنها صاحب مرتبتی نمی‌گردد که به صورت موجودی مطرود در گوشه عزلتی جبرگونه وانهاده می‌شود؛ چرا اکه «در جامعه بشری برتری نه به جنسی که به وجود می‌آورد بلکه به آن که می‌کشد داده شده است» . (سیمون دوبوار، ۱۹۶۸)

بحث و نتیجه‌گیری

شیکاگو پیوندی محکم میان هنر و زنان برقرار می سازد چنان که اثر او را به عنوان اولین اثر هنری فمینیستی از نظر جهانیان می دانند و او همچنان با برپایی یک نمایشگاه در موزه هنر ایالت لس آنجلس تحت عنوان زنان هنرمند دید دیگر هنرمندان را نسبت به هنر زنان عوض کرد او همچنان بدین طریق سنت رایج مردان در نقاشی کردن و مجسمه ساختن را به چالش کشانید .در صدد آنم که هنر فمنیست در جامعه شرق باب شود، در حالی که در جامعه ایرانی جایی ندارد .از روش توصیفی برای پیشبرد این تحقیق استفاده کردم.

منابع

1. اسمیت، ادوارد لوسی (۱۳۸۰)، مفاهیم و رویکردها، در آخرین جنبش های هنری قرن بیستم، ترجمه علیرضا سمیع آذر، موسسه فرهنگی پژوهش چاپ و نشر نظر

Archive of SID
www.SID.ir

۲. آچر، مایکل (۱۳۸۷)، هنر بعد از ۱۹۶۰ترجمه کتایون یوسفی، تهران :نشر حرفه و هنرمند

3. صحاف زاده، علیرضا (۱۳۸۹)، هنر هویت و سیاست بازنمایی، تهران :نشر بیدگل

Archive of SID

www.SID.ir